

مانیفست فقر برویت مندان و ما

نلویس اسمبلی / کورنل وست
ترجمه:

فریبا عزیزدقتری / محمدحسین اکبری

A Poverty Manifesto
The Rich and
The Rest of Us

مانیفست فقر/ثروتمندان و ما/

تاویس اسمیلی/کورنل وست/

مترجمان/فریبا عزیدفتری/محمد حریری اکبری/

اجام/چاپ اول/۱۳۹۴ تیریز/۱۰۰۰ نسخه/چاپ میهن/

علوم اجتماعی/اقتصاد/

اسطخ ویرایش: ب، ۱۰/

قطع رقی، ۲۲۴ صفحه/ب نازنین/۱۲/کاغذ ۷۰ گرمی/مازندران/

شابک ۹ - ۷۶۹۷ - ۰۰ - ۶۰۰ - ۹۷۸ -

مدیر هنری و طراح گرافیک: ارسلان آقاخانی/

دفتر مرکزی: خیابان چای کنار، به طرف آبرسان، نرسیده به پل سنگی، جنب ساختمان کوثر/

پلاک ۲۵۵/طبقه دوم/تلفن: ۳۳۳۶۴۳۸-۰۴۱/

کارگاه نشر: ابتدای جاده ایدم، کوچه سیلو، پلاک ۳۳۶/تلفن: ۳۴۷۸۱۹۷۰-۰۴۱/

www.mugham-pub.com/

[info@mugham-pub.com/](mailto:info@mugham-pub.com)

حق چاپ برای نشر موغام محفوظ است.



قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان

نسخه الکترونیک این کتاب در fidibo.com در دسترس است.

سرشناسه: اسمایلی، تاویس، ۱۹۶۴-م.

Smiley, Tavis

عنوان و نام پدیدآور: مانیفست فقر: ثروتمندان و ما/

تالیف تاویس اسمیلی، کورنل وست: ترجمه فریبا عزیدفتری، محمد حریری اکبری.

مشخصات نشر: تیریز: انتشارات موغام، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: ۲۲۴ ص.

شابک: ۹ - ۷۶۹۷ - ۰۰ - ۶۰۰ - ۹۷۸ -

وضعیت فهرست نویسی: قیما

یادداشت: عنوان اصلی:

The rich and the rest of us : a poverty manifesto, 2nd ed, 2012.

یادداشت: واژه نامه

عنوان دیگر: ثروتمندان و ما

موضوع: فقر - ایالات متحده

موضوع: ایالات متحده - اوضاع اقتصادی قرن - ۲۱ م.

شناسه افزوده: وست، کورنل، ۱۹۵۳-م.

West, Cornel

شناسه افزوده: عزیدفتری، فریبا، مترجم

شناسه افزوده: حریری اکبری، محمد، ۱۳۲۲ - مترجم

رده بندی کنگره: ۱۳۹۳م۲ الف ۱۱۵-HC11

رده بندی دیویی: ۳۳۹.۴

شماره کتابشناسی ملی: ۳۷۴۲۲۰۲

فهرست

۱.....	قدردانی
۳.....	درباره نویسندگان
۴.....	پیش‌گفتار متن فارسی
۹.....	پیش‌گفتار
۱۹.....	فصل یکم: چهره فقر
۴۵.....	فصل دوم: فقر فرصت
۷۵.....	فصل سوم: فقر صداقت و صراحت
۹۹.....	فصل چهارم: فقر شجاعت
۱۲۱.....	فصل پنجم: فقر شفقت
۱۴۳.....	فصل ششم: فقر پندار
۱۷۳.....	فصل هفتم: مانیفست فقر
۲۰۵.....	ضمیمه
۲۱۷.....	Notes

درباره نویسندگان

تاویس اسمیلی با چهره‌های جهانی به گفتگو می‌نشیند تا الهام بخش تغییر برای رهبران نسل آینده، مجریان برنامه‌های پخش، نویسنده‌گان و بشردوستان باشد. وی اخیراً میزبان برنامه تلویزیونی آخر شب در PBS، تحت عنوان **نمایش تاویس اسمیلی** بود که توسط رادیوی همگانی بین‌المللی با اشتراک اسمیلی و وست (PRI) پخش گردید. او نخستین آمریکایی است که برنامه‌های نمایش در تلویزیون عمومی و رادیوی همگانی را همزمان به اجرا درمی‌آورد. علاوه بر کار تلویزیونی و رادیویی، ۱۶ کتاب نگاشته، از جمله آن چه به یقین می‌دانم است که نیویورک تایمز آن را کتاب پرفروش معرفی کرده و کتابی دیگر با عنوان **عقد پیمان با آمریکای سیاه** که آن هم رکورد فروش را شکسته است. وی همچنین معرف آفریشگر برنامه **آمریکا من هستم: اثر آمریکایی افریقایی** است که برنده جایزه نمایشگاه موزه متحرک و بی‌نظیر است. این برنامه روی آمریکایی افریقایی‌ها تاثیر فوق‌العاده‌ای گذاشته و معلومات زیادی به ملت ما و جهان داده است. در ۲۰۰۹ مجله تایمز اسمیلی را در زمره یکی از «صد شخصیت پرنفوذ جهان» معرفی کرد.

کورنل وست، معلم و فیلسوف، از ۱۹۴۳ در دانشگاه پرینستون استاد بوده است. روشنفکری مردم سالار با نبوغ بسیار و انگیزه بالا و نویسنده آثار کلاسیک معاصر چون **نژاد اهمیت دارد** است که مسیر گفتمان آمریکا درباره نژاد و عدالت را تغییر داده است. کتاب **مردم سالاری اهمیت دارد** وی توسط نیویورک تایمز بهترین کتاب پرفروش اعلام گردید و **خاطرات برادر وست: زندگی کردن و دوست داشتن به صدای بلند** هم به همان اندازه معروف است. وی مؤلف ۱۷ متن دیگر و دریافت‌کننده جایزه کتاب آمریکا نیز هست. وست بیست درجه و دکترای افتخاری گرفته و پائیز پیش رو به عنوان استاد فلسفه و عمل مسیحی به مدرسه یونیون تئولوجیکال (الهیات متحده) در شهر نیویورک باز خواهد گشت.

پیش‌گفتار متن فارسی

دست‌کم چند سالی است که در شناخت اعضای جامعه، به ویژه جوانان ایرانی از ایالات متحده آمریکا، دگرگونی‌های مهم و درخور توجهی به چشم می‌خورد. در عصر دیجیتال، شبکه‌های اطلاع‌رسانی چون یوتیوب^{۱۲}، فیس‌بوک^{۱۳}، توئیتر^{۱۴} و سایر رسانه‌های اجتماعی و برتر و قوی‌تر از همه رسانه پول، تصویرهایی از آمریکا ارائه داده و می‌دهند که تصور و برداشت به خصوصی از آمریکا بوجود آورده‌اند. بی‌سبب نیست که علوم اجتماعی دانان، عصر ما را عصر «واقعیت مجازی»^{۱۵} خوانده‌اند.

بهار سال ۱۳۹۱ از سوی دانشگاه گیلان برای سخنرانی درباره‌ی یکی از چهره‌های پدیده «چند - چهره‌ای»^{۱۶} جهانی شدن، دعوت شدم. جلسه به گرمی برگزار شد. در پایان نیز پرسش و پاسخ انجام گرفت. ولی وقت تعیین شده برای برنامه، کنجکاوای ذهن جوانان را کفاف نداد و مطابق معمول علاقه‌مندان خارج از جلسه نیز تماس گرفته، نکاتی را مطرح کردند. در این میان دو دانشجوی نا آخرین لحظه تمامی مطالب رد و بدل شده را گوش کردند و پس از پراکنده شدن دیگران، از زاویه نگرش خود مطلب را پی گرفتند. نه این که سوالاتی بپرسند، بلکه با اندکی برآشفتنی به گله پرداختند که چرا ضمن گفته‌ها به جهان‌خواهی نهفته زیر صورتک جهانی شدن، خویشکاری^{۱۷} امپریالیسم و نقش آمریکا در این پدیده تاریخی و فراگیر اشاره‌هایی شد. با بی‌توجهی کم و بیش آشکاری به استدلال‌ها و پاسخ‌هایم با ظاهری مودبانه گوش دادند، اما در واقع با قهر و رنجش از من جدا شدند. با خود می‌اندیشیدم هرگاه عمده‌ترین تفاوت

۱۲- YouTube

۱۳- Facebook

۱۴- Twitter

۱۵- Virtual reality

۱۶- Multi- faceted

۱۷- خویشکاری: فونکسیون، کارکرد، عملکرد. function

میان «بینش علمی» و «بینش ایدئولوژیک» توضیح داده می‌شد که اولی از اطلاعات مبتنی بر واقعیت و دومی از «باورها، ارزش‌ها، ارزش‌دآوری‌ها و معتقدات» شکل می‌گیرند، شاید روشن‌تر بود.

در فاصله بازگشت از رشت و سفر تابستانی خود به آمریکا ملاقات‌های متعدد و متنوعی که با اشخاصی از اقشار و لایه‌های گوناگون اجتماع داشتم، متوجه موضع‌گیری‌های کم و بیش مشابهی شدم. حتی مورد عجیبی پیش آمد. خانمی خیلی جذبی بر آن بود که مردم آمریکا چندان کار نمی‌کنند و اغلب اوقات خود را با آسایش و خوشگذرانی سپری می‌کنند. نه دو دانشجوی یاد شده، و نه هیچ یک از افرادی که درگیر صحبت می‌شدند ایالات متحده را ندیده بودند. ولی در فضای مجازی و تحت تأثیر شرایط و اوضاع خاص زندگی خود، آمریکا را مدینه فاضله یا کعبه آمال تلقی می‌کردند. البته مفهوم ضرب‌المثل آمریکایی‌ها که می‌گوید «چمن همسایه سبزتر است»، یا ضرب‌المثل خودمان که می‌گوئیم «مرغ همسایه غاز است» در این برداشت‌ها و پنداشت‌ها، واجد رگ و ریشه اجتماعی ژرف‌تری است که شرح آن در این پیشگفتار مختصر نمی‌گنجد.

شاید واژه «غول‌آسا»^{۱۸} از عهده معرفی اتازونی یا به اصطلاح آمریکا برآید. چه با در نظر گرفتن عوامل فیزیکی تشکیل‌دهنده این کشور پهناور [که از اقیانوس (اطلس) تا اقیانوس (آرام) گسترده است و قریب شش برابر خاک کشور ما وسعت دارد]، تعجبی ندارد که زادگاه و گهواره «ژیگانتیسم»^{۱۹} باشد. در بستر غنای طبیعی کم‌نظیر سرعت صنعتی شدن اتازونی، پیدایی سلاطین فولاد، کبریت، خودرو و... را موجب شد که شکوفایی تولید و اقتصاد و به تبع آن برای نخستین بار در تاریخ بشراً دستاوردهای چشمگیر علمی، فنی، مالی، اجتماعی، نظامی، سیاسی و... فراهم آمد. بررسی و شناخت عمیق و دقیق این همه جز در «مبحث دیوشناسی»^{۲۰}، در مبحث دیگری نمی‌گنجد. از اینرو هرگونه معرفی که بخواهد به ایجاز این کار را انجام دهد ناکام می‌ماند و ناقص. چنانچه برخی‌ها گفته‌اند؛ سه D مشخصه آمریکاست که حرف D

۱۸- gigantic

۱۹- gigantism

۲۰- gigantology

مخفف واژه‌های دلار^{۲۱}، دموکراسی^{۲۲} و تنوع^{۲۳} می‌باشد و این سه واژه معرف آمریکا ولی ناگفته پیداست که چنین ایجازی از عهده معرفی گوشه‌هایی از واقعیت وجودی آمریکا بر نمی‌آید. لذا واقع‌بینانه‌تر است که تعریف و تشریح موضوع بر عهده متخصصان «آمریکاشناسی» یا کسانی واگذار گردد که درباره «غول» بحث و فحص می‌کنند. البته یادآوری سروده مولوی عارف بی‌مناسبت نمی‌نماید:

بانگ غولان هست بانگ آشنا آشنایی که کشد سوی فنا.^{۲۴}

مانیفست فقر: ثروتمندان و ما، یکی از تازه‌های کتاب آمریکا بود که اوایل تابستان ۲۰۱۲ میلادی، یعنی دو ماه پس از اجابت دعوت دانشگاه گیلان به دستم رسید. با خواندن کتاب به ذهنم خطور کرد بهترین و گویاترین پاسخ به کسانی که ابزار ساختن و به جریان انداختن «صنعت فرهنگ»^{۲۵}، چون تلویزیون و سایر رسانه‌ها، آنان را از شناختن واقعیت‌ها بسیار به دور برده است، همین کتاب است که خواندش برای خوانندگان فارسی زبان از چند جنبه ضروری و مفید تواند بود. علیرغم مشغله و گرفتاری‌های فراوان، ترجمه کتاب را در اولویت کارهای در دست اقدام قرار دادم، تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.

واقعیت این است که با در نظر گرفتن وزن، موقعیت و نقش کنونی آمریکا در جهان، فارغ از دوست یا دشمن شمردن آن، نمی‌توان از شناختن این پدیده غول آسا برکنار ماند. حصول چنین شناختی هم بر دوستی و هم بر دشمنی با این کشور مقدم است. چه در صورت نداشتن شناختی درست، نه دوستی با آمریکا مفید فایده‌ای تواند بود و نه دشمنی با آن با معنی.

نخستین جنبه آموزنده کتاب حاضر شناختن و شناساندن چشم‌اسفندبار سامانه سیاسی آمریکا، یعنی «لابی»^{۲۶} و «لابیگری»^{۲۷} است که نویسندگان شارح تناقض‌ها

۲۱- Dollar

۲۲- Democracy

۲۳- Diversity

۲۴- مولانا جلال‌الدین محمد بلخی رؤی، مثنوی معنوی، (تهران: کلاله خاور/انتشارات پدیده، ۱۳۷۵)، چاپ ششم، ص ۹۱، سطر.

۲۵- Culture industry

۲۶- lobby

۲۷- lobbying

و معضلات ناشی از قانونی بودن این پدیده بدخیم و خویشکاری آن هستند. تازه این یگانه ضعف ساختار سیاسی و بافتار اجتماعی ایالات متحده نیست و هیچ کس نمی‌تواند ذیصلاح‌تر از آمریکائیان فرهیخته‌ای باشد که زیستن در دل آن جامعه را با گوشت و پوست و استخوان تجربه کرده‌اند و می‌کنند. از این رو دقیق‌تر از هر ناظر یا تحلیل‌گری می‌توانند نکته‌ضعفها را مورد نقد و بررسی قرار دهند که «اسمیلی» و «وست» در این مورد سنگ تمام گذاشته‌اند.

جنبه دوم مهارت نویسندگان در استفاده از آموزه‌های «دبستان انتقادی»^{۲۸} است. چه کم نیستند کسانی که درک و فهم درست و کاملی از نقد ندارند. اغلب نقد را مردود شناختن، حمله کردن و از قدر و قیمت انداختن یک پدیده یا یک اثر تلقی می‌کنند. یا این که فقط نکات ضعف را برشمرده و ایرادهای کار را برملا می‌کنند. در حالی که «نقد علمی» به انتقادی گفته می‌شود که مفید فایده باشد، یعنی ضمن شناختن و شناساندن ضعف و قدرت هر پدیده، راه‌های برطرف کردن جنبه‌های منفی را پیشنهاد کند. انتقادی از این جنس «نقد سازنده» خوانده می‌شود که با ارزش‌ترین فعالیت ذهنی صاحب‌نظران بشمار می‌رود. مانیفست فقر، کاری است از این دست، چرا که علاوه بر تنقید با صداقت و صراحت، دوازده ایده برای ایجاد تغییر را مطرح می‌سازد. حتی راه و روش و نقطه آغازین عمل را نشان می‌دهد.

جنبه سوم کار «اسمیلی» و «وست» آفرینش اثری است که با خیال راحت می‌توان گفت در پیمودن مسیر کمال، به مراحل والا و بالایی رسیده است. چون از لحاظ سازماندهی مطالب و نحوه بیان و پرورش موضوع، پختگی درخور تحسینی را بکار بسته است. همان‌طور که دستور زبان اغلب زبان‌های شکوفای جهان روی تقدّم تأخر مبتدی و خبر در نگارش هر جمله تأکید می‌ورزند، در سازماندهی مطالب هر نوشته بلند نیز رعایت این نکته ضرورت دارد. چه نویسندگان چیره‌دست، گاه با آوردن مطالب تأییدی و تکمیلی میان مبتدی و خبر، بر زیبایی و جذابیت نوشتار می‌افزایند. به کار بستن ابتکاری چنین تلمیحاتی، بر غنای اثر می‌افزاید. این از جمله مهارت‌هایی است که دانشجویان رشته «نویسندگی خلاق»^{۲۹} تا اخذ درجه Ph.D. مشغول فراگیری فنون آن هستند. نویسندگان و ویراستار این کتاب نیز از این نظر کاری کرده‌اند کارستان.

چهارمین جنبه این اثر که از لحاظ اهمیت شاید برتر از جنبه‌های مزبور باشد، به کار گرفتن روش استنادی خاص آن است. بدینسان که هیچ ادعائی فاقد مأخذ و بدون مستند نیست. تازه این استناد با مراجعه توأمان هم به «اشخاص حقیقی» و هم به «اشخاص حقوقی» انجام پذیرفته است. دلیل عمده واقع گرا بودن این بررسی و تحلیل نیز به گواه گرفته شدن طرز زندگی و گفته‌های افرادی است که همین حالا در ایالات متحده بسر می‌برند. در جهت کلیت دادن به این گفته‌ها هم آمار، اعداد و ارقام رسمی منتشره از سوی اشخاص حقوقی مانند وزارتخانه‌ها، موسسه‌های سرشماری، دانشگاه‌ها، موسسه‌های سنجش افکار عمومی و سایر نهادها آورده می‌شوند. در سطح خرد گواهی و شهادت افراد، وضعیت روانشناسانه و طرز تلقی قربانیان فقر از شرایط اجتماعی و اعمال سیاست‌های فقر را نشان می‌دهد و تا حدی هم مبتنی کیفیت‌هاست. در سطح کلان اعداد و آمارها نشانگر ابعاد جامعه‌شناسانه قضیه و دغدغه اصلی «سمیلی» و «وست» است. یعنی آشکار می‌سازد که فقر در آمریکا محدود به گروه‌های معین یا به اصطلاح «جزایر کمیابی در دل اقیانوس فراوانی» نیست، بلکه پدیده‌ای فراگیر و انکارناپذیر است.

محمد حریری اکبری

استاد علوم اجتماعی

تهران - ۱۳۹۲/۱/۲۵

پیشگفتار

هرگاه بیندیشیم که مال و منال خود را داریم و خویشتن را مدیون وقت یا پول یا تلاش کسانی نشماریم که اندوخته‌ای ندارند، راه حلی برای مشکل فروپاشی بافتار اجتماعی نیستیم که تمامی آمریکایی‌ها را تهدید می‌کند بلکه بخشی از خود مشکل می‌یابیم.

ماریان رایت ادلمن^{۲۰}

گاهی وقت‌ها کاری از دستان بر نمی‌آید، اما در این گشت پر برکت، همه با هم همکاری می‌کنیم. در واقع به ندرت روی می‌دهد فیلسوفی از تالارهای دانشگاهی با یک مجری تلویزیون از عرصه همگانی بتوانند همصدا، همفکر و همدل شده، خود را وقف بیدار کردن وجدان همگانی در راه آنچه فرمان مشترکمان، دکتر مارتین لوتر کینگ جی.^{۲۱} به شیوایی به بیان در آورده «موضوع‌هایی هستند که اهمیت دارند» بکنند.

در طول گشت هزاران کیلومتری، مصاحبه‌های بی‌شماری داشتیم. در خانه‌ها نشستیم، به میان اجتماعات رفتیم و در گردهمایی تالارهای شهرها به صحبت پرداختیم. و اکنون در تهیه و تدوین نخستین کتاب مشترکمان درباره موضوعی که برای ما سخت اهمیت دارد، با یکدیگر همکاری می‌کنیم.

ما دلنگران فقر در آمریکا هستیم، زیرا بر زندگی، مدرسانی، رسالت‌هایی که با آغوش باز پذیرا شده‌ایم و نقش‌هایمان به عنوان اندیشمندان مردم‌سالار ضربه وارد کرده است.

۲۰- Marian Wright Edelman

۲۱- Dr. Martin Luther King, Jr.

برای برادر عزیزم تاویس^{۳۲}، فقر یک مفهوم مجرد نیست، داستان کودکی اوست. او با فقر و فاقه در گتوهای سیاهان بزرگ نشده و توان خود را در زاغه‌ها و حصیرآبادها نفرسوده است. تاویس، بزرگ‌ترین فرزند خانواده‌ای یاده کودک است که در بانکرهیل^{۳۳} ایندیانا^{۳۴}، ایستگاه تریلی‌ها، که اغلب سفیدپوستان فقیر در آنجا سکونت دارند بزرگ شده است. پدر و مادرش کارگر بودند، فقیر و زحمتکش. مادرش، اموری^{۳۵} و پدرش، جویس اسمیلی^{۳۶} و مادر بزرگش (ماما بزرگ) که امور خانواده را می‌گرداند، در خانه‌ای زندگی می‌کردند که جا برای سیزده نفر نداشت. وقتی هم که عمه تاویس به قتل رسید، چهار فرزند وی به خانه اسمیلی پناه آوردند. جراحات احساس حقارتی که در راه مدرسه و خود مدرسه به خاطر کفش و لباس مندرسی که پارگی و سوراخ‌های آنها را با مقوا می‌پوشاند هنوز در قلب تاویس اسمیلی التیام نیافته. موفقیت امروزی او، نقش و تأثیر فقر را از درون وی نمی‌زداید و شاید هم نمی‌تواند بزدايد.

فقر برای دوست دیرینه من، دکتر کورنل وست^{۳۷}، فیلسوف و استاد دانشگاه پرینستون^{۳۸}، سخت اهمیت دارد. پدر وی، کلیفتون ل. وست جر^{۳۹}، پیمانکار حکومت ایالات متحده بود و مادرش ایرنه ب. وست^{۴۰}، معلم و بعدها دبیر برجسته پیشتازی که در اوایل نهضت حقوق مدنی^{۴۱} فعالانه شرکت جست. در بازگویی خاطرات فعالیتهای سالهای پیشین، دکتر اغلب به من می‌گفت که از «ستیزه‌جویی صادقانه مالکوم ایکس»^{۴۲} سیاه پوست، نماد خشم و خروش حزب پلنگ سیاه^{۴۳} و تعالیم دینی جیمز کون^{۴۴} سیاه

۳۲- Tavis

۳۳- Bunker Hill

۳۴- Indiana

۳۵- Emory

۳۶- Joyce Smiley

۳۷- Dr. Cornel West

۳۸- Princeton

۳۹- Clifton L. West, Jr

۴۰- Irene B. West

۴۱- Civil Rights Movement

۴۲- Malcom X

۴۳- The Black Panther Party

۴۴- James Cone

الهام گرفته است». دکتر در مقام نماینده انجمن دانش‌آموزان دبیرستان جان. اف. کندی^{۴۵} در ساکرامنتوی^{۴۶} کالیفرنیا^{۴۷} در کنار تظاهرات حقوق مدنی، مخالفت‌هایی را هم سازماندهی کرد و خواستار تشکیل و برگزاری مطالعات سیاه در دبیرستان خود و سایر دبیرستان‌های محلی شد. در ضمن در تظاهرات حقوق مدنی نیز شرکت جست. دکتر از دوران کودکی در مسائل مربوط به عدالت‌نژادی و اجتماعی پیشرو بوده است. وی پای‌بند سنت‌های کلیسای باپتیست سیاه^{۴۸} و موسیقی سیاهان بود و در وطن و در سرتاسر دنیا همواره دل مشغول مبارزه با فقر بوده است.

فقر برای ما مهم است، همان‌طور که برای دکتر کینگ اهمیت داشت. کار ما گواه است که از کلام وی الهام گرفته‌ایم «من خود می‌خواهم با تهیدستان تعیین هویت شوم، من برمی‌گزینم با فقرا تعیین هویت شوم، من می‌خواهم جان خود را در راه گرسنگان ایثار کنم، من برمی‌گزینم جان خویش را انثار کسانی بکنم که آفتاب فرصت‌ها هرگز بر آنان نتابیده است.» برای ما پایان بخشیدن به فقر مستقیماً از میراث کینگ رگ و ریشه می‌گیرد که تا واپسین نفشش، چهارم آوریل ۱۹۶۸، علیه فقر جنگید. زنده‌اراموش کنیم آخرین سفر دکتر کینگ، نهایی‌ترین رسالتش را می‌نمایاند که به ممفیس^{۴۹} رفت تا کنار کارکنان تهیدست بهداشت که به خاطر دست‌مزد بهتر و حق چانه زدن برای شرایط کاری ایمن‌تر به مبارزه برخاسته بودند، قرار گیرد. واپسین نبردهای دکتر کینگ در راه ریشه‌کنی فقر بود.

برنامه هفتگی «اسمیلی و وست»^{۵۰} را در سال ۲۰۱۱ در PRI راه انداختیم. این برنامه فرصت برگزاری گفتگوی شخصی از رادیوی همگانی را فراهم می‌آورد.

چارچوبی واقع‌بینانه درست شد تا «صحبت‌های مردم واقعی» حرف‌هایی را که در قهوه‌خانه‌ها، مهمانی‌ها، آرایشگاه‌ها و سالن‌های زیبایی رد و بدل می‌شد بشنویم. به

۴۵- John F. Kennedy

۴۶- Sacramento

۴۷- California

۴۸- The Black Baptist Church

۴۹- Memphis

۵۰- Smily & West

همین دلیل بخشی از نمایش «بگذار به کارشان برسند»^{۵۱} پخش شد. در این بخش از نمایش از شنوندگان خواسته می‌شد پرسش‌های خود را با ما در میان بگذارند یا نکته نظرهای، موضوعات و کارهای ما را مورد چون و چرا قرار دهند.

ادیت^{۵۲} یکی از تلفن‌کننده‌ها به «بگذار به کارشان برسند» بود که موضع‌گیری ما درباره فقر را به چالش طلبید. شنیده بود که در این باره موعظه می‌کنیم. شکایت سر می‌دهیم و سیاستمداران و دیگر رهبران را مورد انتقاد قرار می‌دهیم که یا فقر را بدتر می‌کنند، و یا هیچ حرفی در این باره نمی‌زنند و هیچ کاری انجام نمی‌دهند.

ادیت از ما پرسید: «خوب، شما دو نفر درباره فقر آماده انجام چه کاری هستید؟»

این سوالی بود که با گوش جان شنیدیم. از خود پرسیدیم «یک فیلسوف و یک مجری بیشتر از این چه کار می‌توانند بکنند؟» سادگی پاسخ همه را متعجب کرد. لازم است هر کاری از دستان برمی‌آید انجام دهیم. لازم است از تمام امکانات همگانی برای بیدار کردن وجدان عمومی و مطرح ساختن موضوع فقر و قرار دادن آن در صدر برنامه کاری آمریکا استفاده کنیم.

مشتاقانه طی مراسمی رسمی «گشت فقر: ندایی بر وجدان» را از ششم اوگوست ۲۰۱۱ شروع کردیم و با اتوبوس از هیجده شهر دیدن کردیم. هدف نشان دادن وضع اسفناک تهیدستان آمریکا از همه نژادها، رنگ‌ها و مرام‌ها بود.

با این که در ۲۰۱۱ چندین رسانه عمده به تلاش ما جهت گنجاندن فقر در برنامه کاری ملی اعتبار دادند، اما قصد ما این نبود در طرح این موضوع پیشقدم باشیم. هدف ما دادن چهره‌ای انسانی به فقر بود تا اشخاصی که همواره فقیر بوده‌اند یا به تهیدستی نزدیک و فقیران جدید، از قلم نیافتند و در گذر از موج رکود و کساد اقتصادی بی‌سابقه نادیده گرفته نشوند. برای ما روشن بود که در این مورد بیشتر مردم آمریکا چهره جدید فقر را با بیشتر شدن نابرابری ثروت طی دهه‌های گذشته به سامانه موجود آمریکا مربوط نمی‌کنند. رکود بزرگ^{۵۳} و بهمنی که پس از آن به صورت سلب حق اقامه دعوی صاحبان خانه فرود آمد، فقط بخشی از داستان است. ما بر این باوریم که

۵۱- Take 'Em To Task.

۵۲- Edith.

۵۳- The Great Recession.

باید بیشتر کار کرد، بیشتر دانست و حقیقت را بیشتر آشکار کرد.

معلولین جنگی بازنشسته، کارکنان سابق کارخانه‌ها، بازاریاب‌ها، کارگران ساختمانی، مادران بیوه، زن‌ها و شوهرها، پدران و نوجوانان به همان اندازه که ما مشتاق شنیدن بودیم، آماده گفتن داستان‌شان بودند. به محض این که اتوبوس ما از راه می‌رسید واکنش‌های موافق و مخالف آغاز می‌شد. از خوشامدگویی و امتنان گرفته تا برخورد خصمانه و مقابله سرسختانه. و مادر هر حال پیش می‌رفتیم. گروهی از تظاهرکنندگان مخالف در دیترویت^{۵۴} به اصرار ادعا داشتند که یگانه انگیزه گشت ما ضربه زدن به پرزیدنت باراک اوباما^{۵۵} است.

بله درست است، خوب بود در آن موقع به پرزیدنت و سایر رهبران برجسته گوش می‌دادیم. می‌شنیدیم که در گفتمان همگانی واژه‌های «فقیر» و «فقر» را بر زبان می‌آوردند، اما علیرغم کلمات قصار کلیشه‌ای سیاسی، خود را با سیاست عمومی ناسالم درباره فقر در آمریکا رو در رو می‌دیدیم. با این همه بسیاری از ناقدان جمهوری خواه پرزیدنت اوباما مایلند باور کنند که پرزیدنت باعث و بانی رکود بزرگ و فقر است، اما اوباما نه رکود بزرگ را بوجود آورد و نه فقر را ایجاد کرده است. حتی POTUS هم چندان تأثیری ندارد.

پس از پایان گشت مسافرتی، فرازهای گشت فقر را، طی برنامه یک هفته‌ای «تاویس - اسمیلی»، از PBS پخش کردیم که با اقبال بسیار گرم بینندگان مواجه شد. با این همه ناراضی بودیم که به اندازه کافی لایه‌های پیچیده فقر را باز نکرده‌ایم. با شنیدن سرزنش و تحقیر دور از انصاف و نیخته برخی از سیاستمداران ناراضیتی ما بیشتر شد. بنظر می‌رسید برای این نامزدهای مقام‌های بالای دولتی برخورد از ثروت و امتیاز، فقر و فقرا معنایی نداشت. فقر و فقیر برای آنها کلماتی بودند کلیشه‌ای که همواره شنیده می‌شوند. آنان ادعا دارند دل‌وایس طبقه متوسط هستند، ولی مثل این که از یاد برده‌اند فقرای جدید همان طبقه متوسط سابق هستند.

در ادامه این بحث مهم، بر آن شدیم از افکار برخی از بهترین‌های ملت آمریکا برای حل معمای افزایش فقر در میان ثروتمندترین ملت دنیا بهره‌مند شویم. بدینسان اندیشه

۵۴- Detroit

۵۵- President Barak Obama.

سمپوزیوم دوازدهم ژانویه ۲۰۱۲، «بازسازی آمریکا: از فقر تا کامکاری» متولد شد که در دانشگاه جورج واشنگتن^{۵۶}، در واشنگتن دی سی^{۵۷} برگزار گردید. این گردهمایی رهبران فکری برجسته‌ای سوئز اورمان^{۵۸}، مایکل مور^{۵۹}، باربارا اهرنریش^{۶۰}، ماجورا کارتر^{۶۱}، راجا کلی جر^{۶۲}، و ویکی ب. اسکاررا^{۶۳} را گرد هم آورد و به طور زنده از C-SPA پخش شد.

هنگام تنظیم جزئیات سمپوزیوم، یکی از ناشران بزرگ تماس گرفت و از ما خواست تجربیات و مشاهدات خود در گشت فقر را به صورت کتابی تدوین کنیم. با این که چنین کاری در برنامه ما نبود، نفس دعوت بازتاب زیادی یافت. نحوه پوشش خبری بسیاری از رسانه‌ها درباره فقر به شدت نومید کننده بود. به نظر می آمد اکثر آنها روی بیکاری ناشی از آزاد کردن به قید ضمانت «بانکداران» آمریکا و سلب حق مالکیت خانه‌ها متمرکز شده‌اند. گفتگوهای خالی از بینش از این دست، این گمان را بوجود می آورد که به محض بازگشت رونق اقتصاد، پریشانی ما خاتمه خواهد یافت. بیپرده سخن بگوئیم: آنچه طی گشت خود در این کشور مشاهده کردیم با گشایش یا بهبود اقتصادی حل نخواهد شد. معادله بدون برگشتی که غنی را غنی تر و فقیر را فقیرتر می کند در میان این ملت جا افتاده و تغییر شکل نخواهد یافت.

حین برگزاری گشت، نه تنها با چهره‌های فقر رویاروی شدیم، بلکه میراث تاریخی و تکامل فقر نیز برایمان آشکار شد. فقر فرزند ناتنی رکود بزرگ نیست، فقر همواره بخشی از حیات آمریکایی بوده است. فقر وضعیتی است که در طول همه اعصار، این کشور با شهادت هر چه تمام تر در برابرش ایستاده، اما در مواردی هم با خفت و بزدلی از مقابلش گریخته است.

۵۶- George Washington University.

۵۷- Washington DC.

۵۸- Suze Orman.

۵۹- Michael Moore.

۶۰- Barbara Ehrenreich.

۶۱- Majora Carter.

۶۲- Roger A. Clay, Jr.

۶۳- Vicki B. Escarra.

در آستانه کساد افشای این واقعیت که یک درصد ثروتمندترین افراد ملت، چهل و دو درصد [منابع مالی] کشور را کنترل می‌کنند، تکان‌دهنده است. اما وقتی از پشت شیشه‌های عینک تاریخ می‌نگریم، می‌بینیم چگونه حرص و آز نهادی شده، با وسواس و باریکبینی هر چه تمام‌تر، با تار و پود بافتار این ملت درهم تنیده شده است. در واقع، می‌شود گفت آمریکا بیشتر از آن که کشور باشد، یک شرکت است.^{۶۴}

گشت فقر باعث شد مردمی را ملاقات کنیم که حتی پیش از رکود اقتصادی هم با یک فقره دریافتی تا فقره بعدی^{۶۵} بسر می‌بردند. با چنین سرعتی از طبقه متوسط گسترده به گودال فقر غلتیدن، این توهم را به وجود می‌آورد که شاید این شهروندان هرگز جزء طبقه متوسط آمریکا نبوده‌اند. در واقع برخی از اقتصاددانان مطرح می‌کنند که طبقه متوسط دهه‌ها قبل از این، بخار شده است. کسانی که در خطر فقیر شدن هستند به این باور چسبیده‌اند که هر نسلی بهتر از والدین و اجداد خود زندگی می‌کند. بیشتر آنها می‌کوشند هویت طبقه متوسط خویش را حفظ کنند. مگر تلویزیون صفحه بزرگ در اتاق نشیمن، نمایشگر این باور نیست؟

ما با قربانیان این اسطوره متلاشی شده ملاقات کردیم، و به چشم خود دیدیم آن شعبده باز را که چه اعجاب‌انگیز بازی را می‌چرخاند. شاید آنهایی که با فقر بزرگ شده‌اند به موفقیت‌های زیادی دست یابند. اما همواره روحشان در تسخیر هراسی است که زمانی با آن به سر برده‌اند. آنانی که در طول زندگی به راستی فقر را تجربه کرده‌اند، برای دست و پنجه نرم کردن با آن، مجهزتر از آدم‌های بی‌تجربه هستند. برای نخستین بار طی چند دهه متوالی رؤیای آمریکایی میلیون‌ها نفر به کابوس بدل شده است، خرد و خمیرشان کرده، تنشان را لرزانده، و به تکاپوی زنده ماندن انداخته است. ملتی که هم اکنون در مغاک افسردگی افتاده، بایستی از مردمان افسرده بیاموزد، وگرنه ممکن است دوام نیاورد.

آنچه برای ما مانده خاطرات نسلی است که با چشمانی گشاده از تعجب، به ناگهان از آب رفتن رؤیای آمریکایی کرخت شده است. درست یک دهه قبل آمریکایی توان آن را داشت که به سبک زندگی هنر پیشه‌های ثروتمند و معروف بنگرد و شهوت زندگی آنچنانی را تا حدی فرونشاند. با این همه، باز فقر پدیده سده بیست و یک نیست.

۶۴- Corporation.

۶۵- Paycheck to paycheck.

تاریخ راهنمای ماست، به زمانی می‌نگریم که آمریکائیان معتاد کارت‌های اعتباری شدند و رؤیای آمریکایی شکل خرید ماجراجویانه از مراکز بازارگونه را به خود گرفت. آن چنان ماجراجویانه که در سرمای زیر صفر درجه، آمریکائیان در صف‌های طولانی برای خرید از روز حراج، شب را در پارکینگ فروشگاه‌ها به صبح می‌رساندند و به رقابت تنگاتنگ و لگدمال شدن در ازدحام نیز اهمیت نمی‌دادند. هر چند در اعماق ذهن خود می‌دانستند هرگز به سبک‌های زندگی که در تلویزیون به نمایش در می‌آید، دست نخواهند یافت. مصرف‌کننده‌های مغزشوئی شده با اعتبار بی‌پایان در دست، چون روباتی برنامه‌ریزی شده می‌کوشد خیال‌های زندگی عالی را واقعیت بخشد. اکنون جاه طلبی‌های باد کرده ما آب رفته‌اند.

«فقرای جدید» خود را در اداره رفاه، آبدارخانه‌ها و غذاخوری‌ها یا فروشگاه‌های اجناس دست دوم، دوشادوش کسانی می‌یابند که بر آنان محلی نمی‌گذاشتند. همان طبقه متوسط سابق که سیاستمداران برگزیده‌شان سرنوشت شومی برای «ملت دارای استحقاق» را پیش‌بینی می‌کنند و در عین حال به گزاف از درهم شکستن شبکه‌های امن فقر لاف می‌زنند و سعی می‌کنند با به سازش کشاندن این تناقض‌ها، محکم این باور را بچسبند که وضعیت حاضر موقتی است و هر طور شده «آنان» هنوز از «آن مردمان» بهترند.

چگونه می‌توانیم به عوام بفهمانیم نه «آنان» وجود دارد، نه «آن مردمان»؟ بسیاری از آمریکائیان از سوراخ‌ها، پارگی‌ها و درزهای قیچی شده شبکه امن آمریکا فرو می‌ریزند. نابرابری درآمد واقعی است. تفکیک میان ثروتمند و تهیدست در واقعیت وجود دارد. نهادهی شده است. اکنون آنچه پیشرو داریم ثروتمندان است و بقیه ما

آمریکا اکنون در نقطه تعیین سرنوشت ایستاده است. اگر دغدغه تغییر هدف جاه‌طلبانه‌اش را داشته باشد باید تعیین تکلیف کند که درباره فقر و فقرای چه می‌اندیشد، چه می‌گوید و چه می‌کند. کتاب حاضر برای تأیید خیزش موج ناآرامی بی‌عذر و بهانه در سرتاسر جهان نگاشته می‌شود. نهضت اشغال وال استریت^{۶۶}، تازه‌ترین نمونه طوفان^{۶۷} بیزاری اخلاقی و مقاومت بشمار می‌رود که تا کنون هشتاد و دو کشور و پنج قاره را درنوردیده است.

۶۶- Occupy Wall Street Movement.

۶۷- tsunami.

اکنون تقریباً یکی از دو نفر آمریکایی، در فقر یا نزدیک به آن زندگی می‌کند، هر روز مردمانی از هر نژاد و رنگ، از حرص و آز تسکین‌ناپذیر اقلیت کلان ثروتمند که اقتصاد را نه به درون خندق بلکه به اوج صخره می‌کشانند خسته‌تر و ناراضی‌تر می‌شوند. ثروتمندان و مأموران سیاسی قدرتمندشان، نفوذ افسون‌کننده خود روی مردمی را که در لایه‌های زیرین خرد و خمیر می‌شوند از دست می‌دهند. زیرا بی‌عدالتی اقتصادی در آمریکا تحت‌الشعاع حرص و آز قرار گرفته، زیرا مالیات‌بندی نابرابر به نفع ثروتمندان است و جیب بقیه را خالی می‌کند، زیرا سامانه سیاسی ما چنان فلج و در مقابل فرهنگ حرص و آز و فساد اخلاقی مطیع و فرمانبر شده که تهیدستان را به مبارزه وا داشته است.

مردم‌سالاری راستین روی منافع همگان متمرکز می‌شود، از خیر عمومی دفاع می‌کند و از شهروندانش، به ویژه از ضعیف‌ترین و آسیب‌پذیرترینشان دفاع می‌کند. ما برآنیم که هیچ مردم‌سالاری بدون داشتن آهنگ شفقت و خدمات همگانی نمی‌تواند زنده بماند. سطح نابرابری ثروت در این کشور چنان از دست خارج شده، میزان رحم و شفقت چنان کاهش یافته که ماهیت مردم‌سالاری آینده آمریکا در معرض خطر است. و این به هیچ روی مبالغه نیست.

این کتاب درست در نقطه مقابل پوزشگران نئو - لیبرال، صاحب‌نظران جناح - راست محافظه‌کاری و لعبتک‌های رسانه‌های شرکتی قرار دارد که در مطرح نکردن، بی‌معنی کردن یا انکار واقعیت فقر در آمریکا راه افراط می‌پیمایند. ناگفته پیداست که فقر با همه ضرر و زیان‌هایش، دیگر به این مردمان به اصطلاح پلید سیاه، سرخ و قهوه‌ای خلاصه نمی‌شود. فقر در بین تمامی رنگ‌ها به سرعت نفوذ کرده است. شهر و حومه و روستا را در می‌نوردد و بی‌شرمانه تعداد بیشمار کودکان را می‌بلعد. فقر دیگر به طبقه یا رنگ محدود و مختوم نمی‌شود، ویروسی مهارناشدنی و کشنده است که تبعیض نمی‌شناسد.

گشت فقر نشانگر احترام ما نسبت به کرامت و انسانیت تمام آمریکایی‌هاست. به ویژه بیکاران و کسانی که کار مناسب ندارند. امروزه اگر دکتر کینگ زنده بود، باز هم با همان قاطعیت ندای پیامبرگونه‌اش را بلند کرده و می‌گفت این همه از سستی اراده ماست. در انجام کار درست در حق شهروندان همانند دکتر کینگ ما هم باید فقر فرصت، فقر صداقت و صراحت، فقر شجاعت، فقر شفقت، و فقر پندار در عصر جدید

را تخطئه کنیم. در راستای مُرادِ دکتر کینگ، آرزومندیم در تلاش خود برای متزلزل، تضعیف و سرنگون کردن قدرت‌هایی که حقوق مردم فقیر این کشور و جهان را انکار و نابود می‌سازند، از کمک و پشتیبانی شما برخوردار شویم. ما دکتر کینگ نیستیم و حتی نمی‌توانیم مانده‌ او باشیم. اما باور داریم آینده‌ این مردم‌سالاری بی‌برو برگرد در گرو شنیدن فراخوان وی برای توجه و دلسوزی نسبت به وضع اسفناک فقر است. با اتکا به تاریخ و گواه صداهای برجسته‌ ای که صادقانه سخن می‌گویند و بیطرفانه تحلیل می‌کنند است، ما درخواست خود را برای تغییر شکل اجتماعی تند و تیز تسلیم می‌کنیم. در تلاشیم نشان دهیم هرگاه از پارادایم‌های سنتی ببریم و نقشه‌ دور جدیدی مبتنی بر انسانیت مشترک و مسئولیت و پاسخگویی را طرح افکنیم، حذف فقر ممکن خواهد شد.

این مانیفست با پشتوانه‌ واقعیت‌های سخت و آمارهای قانع‌کننده، این توهّم را که کشور آمریکا فقط بحرانی را پشت سر می‌گذارد، خواهد زدود. بی‌تردید ما با سرعت خطرناکی به یک فاجعه‌ پایدار در آمریکا نزدیک می‌شویم.

گشت ما به منظور بیدار کردن وجدان آمریکا در مورد فقر انجام گرفت. در طول راه واکنش مبارزه طلبانه‌ مردم فقیر به ما دل جرات داد.

مانیفست فقر، پیشکش ما برای آنان است.

تاویس اسمیلی، کُرِنل وست

لوس آنجلس آوریل ۲۰۱۲